

آزادی جنسی؛

فاجعه بزرگ غرب

کلیسا طی چند قرن تسلط جا برانه خود بر تمام شئون زندگی غریبان لطمات زیادی بر نیادهای روحی و معنوی آنان وارد ساخت. پلید شدن امر مقدس « ازدواج » و جلوگیری از هرگونه بحث منطقی دربارهٔ امور جنسی و واکنشی سخت خطرناک را موجب شد. از قرن هیجدهم که بتدریج از قدرت کلیسا کاسته شد بسیاری از دانشمندان روشن بین اعلام کردند که جلوگیری از ازدواج و محرمیت‌های جنسی، بیماریهای فراوانی را موجب میشوند و حتی ممکن است انواع انحرافات جنسی از آن پدید آید. در اینجا باید توجه کرد که اسلام با قوانین مترقی خویش پیوسته با محرمیت جنسی مبارزه کرده است و مجرد و جلوگیری از اوضاع صحیح غریزهٔ جنسی را مبارزه با فطرت اصیل انسانی میدانند!

اما غرب که ناگهان خود را از تسلط کلیسا رها ساخته آنچنان جهشی یافته بود که دیوانه‌وار همهٔ قوانین و نظامات انسانی را در امور جنسی بدور افکند و در واقع واکنش غرب درهٔ قابل قرن‌ها تسلط کلیسا آنچنان شدید بود که به افراط و بی‌پردگی و وقاحت در امور جنسی انجامید. و همین جهت است که ما کلیسا را بعنوان بزرگترین عامل انحطاط غرب در امور جنسی میدانیم. عامل دیگری که موجب « جنون جنسی » جوامع غربی شد پیدایش مکتب روانکاوی فروید بود که بر شتاب جنون جنسی افزود. فروید روان شناس ماهر و برجستهٔ اطریشی بکشفیات مهمی در روانکاوی نائل آمد و مکتب روانکاوی را در سال ۱۹۰۰ پایه گذاری کرد. وی در کودکی بعزت یهودی بودن از طرف معلمین و همکلاسیهای مسیحی خود سخت مورد تحقیر قرار گرفت، و همین امر موجب شد که بعدها در آثار خود به مذهب و اصول اخلاقی حمله کند، و مذهب را نوعی افسار اجتماعی بدانند و اساس همهٔ نهادهای اخلاقی را پوچ شمارد.

او از عواقب خطرناک ناکامیابی جنسی (که در اسلام با آن سخت مبارزه میشود) سخن گفت اما در این میان بجای راه مشروع جلوگیری از ناکامیابی جنسی یعنی « ازدواج، آزادی جنسی » را پیشنهاد کرد.

وی نه تنها قوانین مذهبی را به هیچ انگاشت بلکه در عقاید افراطی و تند خود آنچنان پیش رفت که همه رفتارها و تظاهرات عصبی انسان را ناشی از میل جنسی Libido دانست. فروید در قسمتی از کتاب خود مینویسد :

« در این جا ناگزیر از آنم تا آنچه را که در نوشته های گوناگوم متذکر شده ام در اینجا نیز به اختصار و کوتاهی یاد آور شوم . این تذکر حاکی از آن است که تا آن حد و اندازه ای که تجارب و آزمایش های من نشان داده است حالات عصبی وابسته به نیروهای عامل میل جنسی میباشد . البته منظورم آن نیست که میل جنسی کمکی از برای پیدایی نشانه های مرضی می باشد بلکه بر آن عقیده ام که در حالات عصبی نیروی جنسی یگانه منبع مهم نیرو و تحریک کننده اساسی محسوب میگردد و تظاهرات جنسی افراد عصبی به گونه ای تحکم آمیز در خلال این تظاهرات جلوه گری یابند (۱) .

فروید با چاپ کتاب ها و آثار خود جوامع غربی را در مسیر بسیار خطرناکی سوق داد. بدنبال چاپ آثار او، کتب و رسائل دیگری (حتی از طرف اشخاص غیر صلاحیتدار) چاپ و منتشر شد که همه آزادی جنسی را پیشنهاد کردند . نظرات فروید درباره مذهب و امور جنسی آنچنان تند و افراطی که در زمان حیات او بسیاری از اندیشمندان و روانشناسان متوجه خطر نشر این عقاید نادرست شدند . یکی از کسانی که بر ضد عقاید فروید قیام کرد و آنها را خطرناک و غیر قابل قبول اعلام کرد **کارل گوستاو یونگ Carl Gustaw yung** دوست و همکار نزدیک فروید بود که مدت زیادی سردبیری مجله « انجمن روان کاوی » را بعهده داشت.

« در سال ۱۹۱۳ یونگ از ریاست انجمن استعفا کرد ، و به تکمیل عقاید و نظریات خود پرداخت . در نظر فروید بشر مجبور و تنهاست و برای پیروی دستورات اخلاقی هیچ اختیاری ندارد و اعمال نیک و رفتار پسندیده نیز چیزی جز « تصعید » و تلطیف همان غرایز بدوی نیست. مذهب نیز نوعی از بیماری « نورو » میباشد.

یونگ برخلاف او ، نسبت به طبیعت بشری خوشبین تر است و شعور باطن را چون سبد کاغذهای باطله که چیزهای دور افکنندنی را در آن میریزند نمیداند .

مذهب در نظر یونگ عبارت از یک **احتیاج دقیق و همگانی بشری** میباشد ، یونگ منکر نبوغ فروید نیست و اهمیت امور جنسی را نادیده نمیگیرد ، بلکه اعتقاد دارد امور جنسی وهم غریزه قدرت طلبی **Will to Power** که الفرد آدلر (۳) آنرا **انقدر اساسی و مهم جلوه داده**

(۱) - مجله مکتب اسلام مقاله « نظر اسلام درباره ازدواج » از آقای حسین حقانی زنجانی.

(۲) - کتاب « سرساله درباره تئوری میل جنسی » تألیف زیگموند فروید صفحه ۹۳.

(۳) - آلفرد آدلر دوست و همکار فروید و از پایه گذاران مکتب روانکاویست.

است عبارت از جزئی از شناخت نفسانی و غرائز بشری میباشد و کل حیات نفسانی را توضیح نمی‌نماید» (۱)

اما مبارزات یونگ و سایر اندیشمندان برای نشان دادن جنبه‌های اغراض آمیز و غلط عقاید فروید نتیجه نبخشید و غرب دیوانه‌وار قدمهای تند و سریعی به عقب برداشت .
اعتقاد به عقاید و نظرات فروید تا بدانجا رسید که بسیاری از باصلاح روان کاوان و وشاگردان فروید اعلام کردند که باید در مدارس و دانشگاهها تعلیمات جنسی جزو برنامه‌های درسی قرار گیرد !!

« تقریباً از ۲۰ سال قبل گروهی از روانشناسان سوئد با سرسختی تمام اعلام کردند که محدودیتهای جنسی سبب بیماری روانی شده و عقده‌های روحی پدید آورده است که بسیار خطرناکتر از بیماری سل و وباست ، و بدنبال این اظهار نظرها کار بجائی رسید که دولت سوئد در صدور آمد تعلیمات جنسی را در برنامه‌های مدارس متوسطه و ابتدائی بگنجانند؛ (۲)»
و بدین ترتیب غرب از پرتگاه سقوط کرد ، تعلیمات جنسی آغاز شد ، صدها کتاب و مجله و روزنامه و حتی دائرة المعارف جنسی منتشر گردید .

حیرت‌انگیز اینجاست که حتی بسیاری از مجلات سکسی که جنبه پزشکی و طبیی داشتند کار را از وقاحت گذراندند و کار بدانجا رسید که مجله پزشکی Sexology آمریکا در مقاله « تشکیلات همجنس طلبان انگلستان » از قانون منع مجازات همجنس طلبان دفاع کرد (۳) بر طبق گزارش مجله نیوزویک مردم آمریکا در سال ۱۹۶۹ از فیلم‌های سوئدی که در آن از جزئیات اعمال جنسی فیلمبرداری شده بود استقبال فراوان کردند و از لحاظ ادبیات نول جدید یکی از نویسندگان آمریکا که در آن اعمال جنسی بطور بیسابقه‌ای شرح داده شده بود تیراژی معادل ۳۳۰۰۰ جلد یافت! (۴)

و در آذرماه سال جاری دانشگاه نوادا آمریکا هفته سکس را در دانشگاه برگزار کرد !
« طی مدت ۷ روز برگزاری این هفته گروهی از متخصصان در باره مسائلی نظیر همجنس بازی، تجاوز و انحرافات ، طی سمینارهای متعدد سخنرانی و بحث کردند .

فیلم‌های آموزشی جنسی که شیوه‌های مختلف عشقیابی را نشان میداد در سینمای دانشگاه بنمایش درآمد و بالاخره پسران و دختران جوان در باره بی پرده‌ترین مسائل جنسی پرسش‌های عجیبی میکردند که در باره آنها بحث شده .

۱ - کتاب روانشناسی درمانی تألیف احمد اردو بادی صفحه ۱۰۰

۲ - مجله مکتب اسلام سال هفتم شماره ۱

۳ - مجله پزشکی Sexology شماره ۶ ژانویه ۱۹۶۷

۴ - مجله نیوزویک آوریل ۱۹۶۹ مقاله سکس و هنرها

واما نتایج این همه تعلیمات عالی جنسی!! آنهم در سطح دبیرستان و دانشگاه چیست؟ جنون جنسی آنهم بصورت پلیدترین و نفرت انگیزترین شکل خود!
 پد ۶۲ ساله یکی از دختران دانشجوی دانشگاه نوادا گفت:

« هفته سسکس بد آموزی صرف و در بیچای بسوی فساد است و من احساس میکنم که در عرض

این ۷ روز دخترم بمراتب فاسدتر شده است... (۱)

قسمتی از نتایج آزادی جنسی در این سلسله مقالات آورده شده است. اما بهتر آنست که به قسمتی از مقاله یکی از جراید تهران که بعد از برگزاری هفته سسکس منتشر شده توجه کنیم.
 « خبرهای زیر را بدون هیچ تفسیری منعکس میسازیم تا هشدار ی بان افرادی که سطحی و کور کورانه شیفته تمدن غرب و مظاهر آن شده اند داده باشیم. در کشور سوئد با هشت میلیون جمعیت، سالانه بیش از چهار هزار کورتاژ با اصطلاح قانونی صورت میگیرد و تعداد کورتاژ غیر قانونی را خدا داناست.»

در آمریکا آمار کورتاژ غیر قانونی یک میلیون در سال میرسد! بیماری سفلیس در دانا مارک در فاصله سه سال ۸۵ درصد در آمریکا ۵۵ درصد افزایش یافته است.

بیماریهای مقاربتی در اروپا و سایر کشورهای متمدن بطور وحشتناکی شیوع یافته و طبق آمار در اکثر این کشورها بیش از نلث جوانان مبتلی به امراض مقاربتی هستند...»

باز هم مطابق آمار بیماران روانی آمریکا آنهم فقط بیماران بستری بالغ بربك میلیون و هشتصد هزار نفر میباشد. تعداد معنادین بالکل را در حدود شصت میلیون نفر تخمین میزند. در آمریکا بگفته یکی از اطباء معروف آنجا بنام دکتر (جرج لاریشن) در یکسال بیش از دوست هزار طفل غیر قانونی بدنیا آمده اند.

و به این ترتیب است که ما به عمق بیماری غرب پی میبریم و متوجه میشویم که روانکاوان دلسوز و فوابع بزرگ غرب! چگونه غریبان را در منجلابی از فساد و تباهی غوطه ور ساخته اند.

مادر این سلسله مقالات بارها اعلام کرده ایم که غرب برای نجات خود از بن بستهای اجتماعی و سیاسی چاره ای ندارد جز اینکه قوانین و نظامات عالی پیامبران الهی را بپذیرد.
 اسلام با تعدیل غرایز انسان و رهنمون ساختن آن در راه انسانی آنطور که بفساد و تباهی جامعه منجر نشود قوانین ثابت و تکامل یافته ای دارد.

و اینجاست که پیشنهاد میکنیم مسلمانان با ایمان (و نه آن غریزگان مفلوک و بدبختی که با آنگوهای غربی زندگی میکنند) برای نجات غرب به حرکت درآیند و همه نیروهای تبلیغاتی خود را برای نجات انسان غربی بسیج کنند و به این ترتیب یکبار دیگر نقش تاریخی خود - یعنی نجات بشریت را به ثمر برسانند.